

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

شباهنگ راد

۰۹ جنوری ۲۰۱۳

## جمهوری اسلامی مسبب اصلی مصایب اجتماعی

سران رژیم جمهوری اسلامی جامعه را زیر و رو نموده‌اند و ابعاد ناهنجاری‌های اجتماعی با شتابی غیر قابل تصور، رو به جلو است. مردم را در این سی سال و اندی به بند کشیده‌اند و سرمایه‌های مملکت را تماماً از آن خود نموده‌اند و به تبع آن‌ها فقر در ایران، بیداد می‌کند. بر اندوخته و سرمایه‌های بادآورده حاکمان ایران افزوده می‌گردد و در مقابل میلیون‌ها تن از محروم‌ترین اقشار قادر به ادامه زندگی نیستند. گرانی در ابعادی بی‌سابقه فضای جامعه را در بر گرفته است و بیکاری، بی‌سوادی و اعتیاد هم به‌عنوان هیولائی سهمگین بر خانه اکثریت آحاد جامعه لنگر انداخته است.

نگاه به چهره دنیای کنونی و زندگانی محروم‌ترین اقشار جامعه از یکطرف، چپاول و روانه شدن سرمایه‌های مملکت به جیب عده‌ای زورگو از طرفدیگر، مبین این واقعیت است که درد و رنج و فقر در چنین مناسباتی از بین رفتنی نیست. مبین آن است که چنین سیستمی مدافع رفع نابرابری‌ها و برقراری عدالت اجتماعی در درون جامعه نیست. خودی‌های‌شان می‌گویند که به‌دلیل بالا بودن هزینه‌های اولیه زندگی، و به‌دلیل گستردگی بالای بیکاری، خشونت و تعدی بهیکی از عارضه‌های اجتماعی تبدیل گشته است. به راستی که چه کسانی عامل چنین وضعیت‌اند و مهمتر از آن‌ها این‌که، کدام مناسبات و آرمان، قادر به پاسخ‌گوئی و حل ریشه‌ئی ناهنجاری‌های اجتماعی است؟

در حقیقت مردم جهان و به ویژه مردم ایران در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که تفاوت‌های زندگی آنان با قدرت‌مداران و وابستگان‌شان بسیار بالاست؛ در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که تعدادی اندک از بالاترین امکانات و رفاه اجتماعی برخوردارند و در عوض میلیون‌ها تن دیگر از تهی‌نات شب خویش باز مانده‌اند؛ در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که پاسخ هر تقاضای بهجا و اولیه‌شان، خشونت است. یعنی این‌که این نظام‌ها خشونت‌های دولتی را به بهانه "برقراری امنیت اجتماعی"، و برخورد با "ارذال و اوباشان" و "زورگیران" سازمان می‌دهند!! اگر بپذیریم که علل اصلی مصائب اجتماعی به نداری، فقر و بیکاری میلیون‌ها انسان و حتی بعضاً به اختلالات روحی - روانی مرتکبین آن‌ها برمی‌گردد، بنابراین چاره و درمان آن در چیست؟

البته پاسخ سرمایه‌مداران پیرامون سوالات فوق معین می‌باشد. از نگاه آنان و همچنین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی علل آن‌ها، نه به وجود مناسبات کنونی و یورش‌های وحشیانه حکومت‌مداران و دار و دسته‌های‌شان به امکانات و ثروت‌های جامعه، بلکه در "نافرمانی" مردم و همچنین به عدم تمکین آنان به پذیرش تفاوت‌های طبقاتی و نظم و ترتیب "اخلاقیات" اسلامی برمی‌گردد. بی دلیل هم نیست که پاسخ هرگونه ناهنجاری‌های اجتماعی را با زندان، شکنجه و اعدام می‌دهند تا به زعم خود جامعه‌ای سراسر تضاد و تنش را "آرام" نمایند. بر مبنای چنین سیاستی است که ما این‌روزها و به گونه‌ای دیگر از زبان رئیس قوه قضائیه - صادق لاریجانی - پیرامون برخورد با "ارذال و اوباشان"

می‌شنویم که: "تفاوتی میان به‌کارگیری سلاح سرد یا گرم وجود ندارد و در حکم محاربه و مجازات آن اعدام است" و در ادامه و وقیحانه تأکید می‌ورزد: "امنیت مردم از نان شب هم واجب‌تر است"!!

آری، این فرهنگ، پاسخ و ریاکاری واقعی سران رژیم جمهوری اسلامی نسبت به معضلات اجتماعی است و طبعاً ارائه راه‌حل این‌چنینی از جانب رئیس قوه قضائیه هم نمی‌تواند، غیر منتظره باشد. در حقیقت جامعه را این جانیان برای میلیون‌ها انسان ناامن نموده‌اند و در همان حال و به‌دروغ اعلام می‌نمایند که هدف و نیات‌شان برقراری امنیت مردم است!! روزانه مردم را سر کیسه و زنجیرهای اقتصادی را تنگ‌تر می‌نمایند و در همان‌حین سخن از امنیت مردم بر زبان می‌آورند!! سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بیش از سه دهه، اعتراضات به‌حق کارگران و زحمت‌کشان را به خاک و خون کشانده‌اند و هزاران کمونیست و مخالف را به دلیل آزادی‌خواهی از دم تیغ گذارنده‌اند و این‌روزها برای مردم دل می‌سوزانند و تأکیدشان بر آن است که برقراری امنیت مردم از زمره اولویت‌ها و وظایف اولیه‌شان می‌باشد!! تهوع‌آور است و با هیچ منطقی به‌غیر از منطق سرمایه‌داران نمی‌توان آن را توضیح داد. فساد از سر و کول جامعه بالا می‌رود و ارزش‌های اجتماعی - انسانی و خانوادگی، به دلیل تنگناهای اقتصادی کاملاً دگرگونه شده است و بدون کمترین شک و شبهه‌ای، عامل چنین وضعیتی کسانی جز سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نیستند. این را مردم ایران و آن‌هم به روشنی اعلام نموده‌اند که خواهان برقراری عدالت اجتماعی و تقسیم ثروت جامعه‌اند. در مقابل پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به تقاضای بجا و امنیت دل‌خواه مردم چه بوده است؟ به راستی که مگر بارها و بارها توده‌های ستمدیده اعلام نموده‌اند که قادر به هه‌ی وسائل آموزشی فرزندان خود نیستند؟ مگر بارها و بارها کارگران برای کسب حقوق‌های معوقه چندین ماهه‌شان به خیابان‌ها سرازیر نشده‌اند، و در مقابل، ارگان‌های مدافع نظام، آنان را لت و پار نموده‌اند؟ این چه نظامی‌ست که از یک‌طرف در برابر خواسته‌های به‌حق مردم این‌گونه به صف می‌شود و از طرف‌دیگر بر این باور است که امنیت مردم از نان شب هم واجب‌تر است؟!!

این‌ها زندگی ستمدیدگان و مردم ایران و همچنین عمل‌کرد واقعی مدافعان جهان کنونی است. جهانی که مملو از تضاد است و تجلی آن را هر روز و آن‌هم به اشکال متفاوت مشاهده می‌کنیم. به بیانی دیگر وجود و باز تولید هزاران معضل اجتماعی مبین این واقعیت است که سرمایه به‌دلیل ماهیتش قصد پاسخ‌گویی به هزاران معضل و نارسائی‌های جامعه را ندارد و می‌خواهد با دستگیری و زندان، و با قطع دست و پا و با اعدام از "شر" ناهنجاری‌های اجتماعی خلاصی یابد؛ می‌خواهد با راه‌اندازی گله‌های مسلح و با گرداندن قربانیان نظام‌های امپریالیستی در خیابان‌ها، سیاست ارتجاعی و مرعوب‌کننده خود را به پیش ببرد. در حقیقت این مردم نیستند که جهان کنونی و از جمله جامعه ایران را ناامن نموده‌اند. بلکه علتش به بیکاری فزاینده، و به نداری مردم بر می‌گردد؛ علتش به بستن یکی پس از دیگری میادین کارگری بر می‌گردد؛ علتش در ناتوانی اکثریت آحاد جامعه در تهیه دوا و درمان بر می‌گردد، تا جایی‌که وزیر بر کنار شده‌{دستجردی} دولت احمدی‌نژاد هم اعلام نموده است که: "بیش از ۵ میلیون نفر به علت هزینه‌های درمان به زیر خط فقر رفته‌اند، هر چند واردکنندگان ماشین‌های لوکس به ارز مورد نیاز دست یافتند، اما ما برای واردات دارو دست نیافتیم".

عجب دنیایی است و عجب، کسانی مدافع برقراری امنیت جانی مردم شده‌اند که خودشان مسبب اصلی آنند. ۵ میلیون انسان به‌دلیل هزینه‌های بالای درمان و دارو، به زیر خط فقر رفته‌اند و در عوض، ارز و سرمایه‌های مملکت، در خدمت به سرمایه‌داران و واردکنندگان دستگاه‌ها و ماشین‌های لوکس قرار می‌گیرد. آیا در چنین مناسباتی می‌توان تصویری به‌غیر از گسترش ناامنی‌های اجتماعی ارائه داد، و به این اندیشید که علل اصلی مصایب اجتماعی نه در سیاست چیده شده و اشتباهی بی‌انتهای سرمایه‌داران، بلکه به "زیاده‌خواهی" مردم بر می‌گردد؟

به راستی در جامعه‌ای که تهیه ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی از جمله نان شب، دوا و درمان برای میلیون‌ها انسان رنج‌دیده ناممکن و از زمره کالاهای لوکس به حساب می‌آید؛ در جامعه‌ای که کودکان به‌منظور کمک به والدین‌شان طعمه باندهای قاچاق انسان می‌گردند، وجود هزاران بلایای اجتماعی از قبیل فحشاء، اعتیاد و روی آوری به کارهای کاذب و مخرب، هم امری طبیعی خواهد بود. این نظام از یکسو در بطن خود چنین معضلاتی را باز تولید می‌کند و از سوی دیگر هم قربانیان نظام را دستگیر و به جرم‌های طولی‌المدت و به اعدام محکوم می‌کند و به‌موازات آن‌ها راه هرگونه چپاول، اخاذی و رشوت‌گیری را برای خودی‌ها فراهم می‌نماید. بی دلیل نبوده و نیست که «پورمحمدی» رئیس سازمان بازرسی کل کشور در مقابل اعتراض «ناصر نقویان» به اجرای پروژه‌ای در وزارت نفت توسط یکی از دوستانش که مجبور شد به‌یک‌بار از معاونین یا مدیران کل آن وزارتخانه، مبلغ ۱ میلیارد و ۲۰۰ هزار تومان رشوت بدهد، می‌گوید: "ای بابا این‌جور چیزها زیاده!"

آری، این سیمای واقعی جامعه‌ایست که حاکمان ایران برای میلیون‌ها انسان رنج‌دیده ساخته‌اند. به قول خویش می‌خواهند با دستگیری و با بگیر و بند و اعدام قربانیان نظام امپریالیستی از یکسو، و با رواج و با گسترده‌گی فساد در میان خودی‌ها از سوی دیگر، ریشه بزه‌کاری‌ها و اخلاقیات اجتماعی را بسوزانند!! متأسفانه سیطره مشت‌انگلی صفت بر شریان‌های اقتصادی جامعه دمار از روزگار مردم در آورده است و زندگی را به کام آنان تلخ نموده است. چپاول و روانه شدن سرمایه‌های مملکت به جیب عده‌ای زورگو، نمایان‌گر این واقعیت است که درد و رنج و فقر توده‌های ستمدیده در چنین مناسباتی از بین رفتنی نیست و ابعاد گسترده‌تری به‌خود خواهد گرفت. چرا که سرمایه‌ها و نعمات جوامع بشری در دست عده‌ای بسیار اندک تمرکز یافته است و در مقابل، ۹۹ درصد از آحاد جامعه در فقر و نداری غوطه‌وراند و به هر دری می‌زنند تا روز خود را به شب به رسانند. به راستی آیا می‌توان بر چنین جوامعی، نام جامعه انسانی گذاشت؟ آیا می‌توان در چنین مناسباتی به امید زندگی بهتر مردم نشست و به آن اندیشید که کودکان کار بر چیده شوند و کودک به جای روانه شدن به خیابان‌های ناامن در کنار هم‌سن و سال‌هایش و آن‌هم در مراکز آموزشی به فراگیری علم و دانش پردازد؟ آیا می‌توان بر این باور بود که در پناه سران حکومت، مصایب اجتماعی از جامعه مان رخت بر خواهد بست و ما دیگر شاهد باز تولید ناهنجاری‌های اجتماعی نخواهیم بود؟

خلاف منادیان سرمایه، پاسخ جامعه انسانی به رفع چنین مصایبی در خلاصی کامل از مناسبات کنونی است. شواهد نشان‌دهنده این واقعیات است تا زمانی که، سرمایه‌داران بر سر کارند، جهان کنونی و از جمله جامعه ایران، روال دیگری را طی نخواهد کرد و زندگی و مشکلات روحی - روانی مردم به قهقرای هر چه بیش‌تری کشیده خواهد شد. در حقیقت مردم جهان و از جمله کارگران و زحمت‌کشان ایران مستحق چنین زندگی فرسایشی و مرگ تدریجی نیستند و می‌باید، بدون کمترین تفاوتی، از نعمات و امکانات جامعه بهره‌برند و فارغ از هرگونه چفت و بست‌های اقتصادی در جهت رشد و شکوفایی جامعه تلاش ورزند. این خواست باطنی میلیون‌ها انسان صدمه دیده است و می‌باید پرچم نظامی بر سرتاسر جامعه برافراشته شود که مدافع بی چون و چرای آرمان و منافع آنان باشد. این یگانه راه پاسخ به هزاران مصیبت اجتماعی است که جهان انسانی، خواهان آن می‌باشد.

۸ جنوری ۲۰۱۲

۱۹ جدی ۱۳۹۱